

## اولویت‌بندی اهداف و آرزوهای دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی و دانشگاه میسوری در کانزاس سیتی

هوشنگ گراوند<sup>۱</sup>، محمدرضا آهنجیان<sup>۲</sup>

### چکیده

به نظر می‌رسد اهداف و آرزوهای زندگی تحت تأثیر فرهنگ هستند. فرهنگ‌های فردگرا به افراد اجازه می‌دهند که خودشان سبک زندگی‌شان را براساس ترجیحات و نگرش‌های خود انتخاب کنند، اما در فرهنگ‌های جمع‌گرا اهداف شخصی افراد به اهداف جمع وابسته است. هدف پژوهش حاضر مطالعه نقش فرهنگ در اولویت‌بندی اهداف و آرزوهای دانشجویان ایرانی و آمریکایی بود. این پژوهش به روش توصیفی طراحی و اجرا شد. نمونه شامل ۲۵۰ نفر دانشجوی ایرانی و ۱۶۴ نفر دانشجویان آمریکا بودند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از شاخص آرزو بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج آزمون فریدمن نشان داد که اولویت‌بندی دانشجویان آمریکایی به ترتیب شامل اهداف و آرزوهای ذاتی، خودجسمانی، تعالی خود و بیرونی و دانشجویان ایرانی به ترتیب شامل اهداف و آرزوهای ذاتی، خودجسمانی، بیرونی و تعالی خود است. همچنین اولویت‌بندی ابعاد اهداف و آرزوهای دانشجویان آمریکایی به ترتیب شامل ارتباط یا پیوندجویی، پذیرش خود، سلامت جسمانی، احساس اجتماعی، لذت‌جویی، معنویت، ثروت، شهرت، هم‌نوایی و جذابیت بدنی و دانشجویان ایرانی به ترتیب شامل پذیرش خود، سلامت جسمانی، احساس اجتماعی، ثروت، لذت‌جویی، معنویت، شهرت، هم‌نوایی، جذابیت بدنی و ارتباط یا پیوندجویی است. در مجموع دانشجویان آمریکایی بیشتر از دانشجویان ایرانی به هدف «ارتباط یا پیوندجویی» توجه کرده‌اند. در واقع با توجه به تقسیم‌بندی اهداف درونی و بیرونی براساس فرهنگ فردگرا و جمع‌گرا، و این نکته که اولویت اول دانشجویان ایرانی (پذیرش خود)، در فرهنگ فردگراست، برخلاف انتظار، فردگرایی در دانشجویان ایرانی بیشتر از دانشجویان آمریکایی بود. واژه‌های کلیدی: فرهنگ، اولویت‌بندی اهداف و آرزوها، دانشجویان ایرانی، دانشجویان آمریکایی.

۱. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران  
(garavand.h@lu.ac.ir) نویسنده مسئول

۲. استاد، گروه مدیریت آموزشی و توسعه منابع انسانی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

**Prioritizing the Goals and Aspirations of the Students of Allameh Tabatabai University and the University of Missouri – Kansas City**

Houshang Garavand<sup>1</sup>  
Mohammad Reza Ahanchian<sup>2</sup>

**Abstract**

Life goals and aspirations seem to be influenced by culture. Individualist cultures allow individuals to choose their own lifestyles based on their own preferences and attitudes; but in collectivist cultures, individuals' personal goals depend on collective goals. The aim of the present research is to study the role of culture in prioritizing goals and aspirations of Iranian and American students. This study was designed and implemented descriptively. The sample consisted of 250 Iranian students and 164 American ones. Data were collected using an Aspiration Index (AI). Friedman test was used to analyze the data. The results of Friedman test showed that the prioritization of American students includes intrinsic, self-physical, self-transcendence and extrinsic goals and aspirations, and the prioritization of Iranian students includes intrinsic, self-physical, extrinsic and self-transcendence goals and aspirations, respectively. Also prioritizing the dimensions of American students' goals and aspirations, includes relatedness or affiliation, self-acceptance, physical health, community feeling, hedonism, spirituality, wealth, fame, conformity, and physical attractiveness and prioritizing the dimensions of Iranian students includes self-acceptance, physical health, community feeling, wealth, hedonism, spirituality, fame, conformity, physical attractiveness, and having a sincere and relatedness or affiliation, respectively. In general, American students have paid more attention to the goal of "relatedness or affiliation" than Iranian students. In fact, considering the division of internal and external goals based on individualistic and collectivist culture, contrary to expectations, individualism was higher in Iranian students than in American students.

**Keywords:** culture, prioritizing goals and aspirations, Iranian students, American students.

- 
1. Assistant professor of psychology, Lorestan University, Khorramabad, Iran. garavand.h@lu.ac.ir (Corresponding Author).
  2. Professor, Department of Educational Administration and Human Resource Development, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

## مقدمه

اهداف زندگی یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعه رفتار، انگیزه و کنش‌های انسانی است. اهداف برای بازشناسی جامعه و فرد، دنبال کردن تغییرات در طول زمان و برای تبیین پایه‌های انگیزشی رفتار و نگرش‌ها استفاده می‌شوند. اهمیت نسبی و رتبه‌بندی در ارزش‌ها در افراد و گروه‌های گوناگون متفاوت است و این تفاوت در رفتار و گفتار انسان‌ها پنهان است. بنابراین، شناخت علمی اهداف و آرزوهای زندگی افراد جامعه به گونه‌ی عام و دانشجویان به گونه‌ی خاص می‌تواند ما را در شناخت بسترهای جامعه کمک کند. دیدگاه‌های بسیاری در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی اهداف زندگی را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما با توجه به هدف‌های پژوهش، نظریه‌ی انگیزشی «خودمختاری»<sup>۱</sup> (دسی و ریان<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱، ۱۹۸۵ به نقل از خیر، ۱۳۸۸، ص ۷۳) برای این پژوهش مناسب‌تر است. رفتارهای شخصی مانند انتخاب هدف و آرمان‌ها برای زندگی، اثرات روشنی بر چگونگی زندگی فردی دارد: این انتخاب‌ها ضمن اینکه دارای آثار اجتماعی است، خاستگاه آن نیز اجتماع و فرهنگ آن است. به سخن دیگر، رفتار انسان‌ها تحت تأثیر فرهنگی است که در آن رشد می‌یابند (تریانندیس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). همچنین تأثیر فرهنگ بر هدف زندگی افراد آشکار شده است و بین فرهنگ و هدف زندگی افراد رابطه وجود دارد (ولف<sup>۴</sup>، ۱۳۸۲). فرهنگ به‌طور هم‌زمان از عناصر مختلف (یعنی فرضیه‌ها، ارزش‌ها، باورها و معانی آن‌ها) شکل می‌گیرد (کاکس<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۸) و در یک محیط اجتماعی مشخص و در ارتباط با دیگر افراد ظاهر و تفسیر می‌شود (استین<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). جهانی شدن، به‌ویژه در بُعد اجتماعی (و اهداف زندگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های جهانی شدن) عامل مهمی در تغییر نگرش‌های جمع‌گرایانه-فردگرایانه است؛ امری که در بلندمدت نظام‌های ارزشی و باورهای افراد را که هویت سنتی آن‌ها را تعریف می‌کند، از کارکرد خود ساقط و منسوخ می‌کند (کوته<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶، ص ۳۱؛ آبالا<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵، ص ۱۰). ایران جامعه‌ای است که تحت تأثیر تحولات پرشتاب فناوری‌های نوین و جهانی

1. self- determination
2. Deci & Ryan
3. Triandis
4. wolf
5. Cox
6. Stein
7. Côté
8. Abela

شدن قرار گرفته است (خواجه‌نوری، ۱۳۸۵، ص ۱۲). در جریان این تأثیرگذاری، دگرگونی‌هایی در سبک‌های زندگی مردم ایران در پرتون جهانی شدن فرهنگی اتفاق افتاده است (خواجه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۸). همچنین آمارها و نتایج تحقیقات انجام گرفته در ایران و جهان، روند رو به افزایش فردگرایی و کاهش جمع‌گرایی در ایران را نشان می‌دهد. برای مثال، تحقیق هافستد<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) که در میان ۵۳ کشور جهان صورت گرفته است، رتبه فردگرایی در ایران را ۲۴ یا به عبارتی کمی بیش از متوسط نشان می‌دهد. همچنین نتایج تحقیقات داخلی نیز بیانگر آن است که فردگرایی ایرانیان از نوع غیراجتماعی و خودخواهانه بوده و بنابراین بیشتر مردم ایران و به ویژه جوانان به فردگرایی گرایش دارند (خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۲). از آنجا که جوانان از پذیرندگی فرهنگی بالایی نسبت به سایر اقشار جامعه برخوردارند و در مقایسه با گروه‌ها و قشرهای دیگر، روابط اجتماعی گسترده‌تری دارند و با مظاهر و وسایل تجدد و نوسازی، جهانی شدن و همچنین اندیشه‌ها و هویت‌های جدید، آشنایی و برخورد بیشتری می‌یابند، بیش از دیگران در معرض تغییرات قرار می‌گیرند. بنابراین، با توجه به کارکرد انکارناپذیر سیاسی و اجتماعی جوانان در روند تحولات عمومی (پاینده و جعفرزاده‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱) مطالعه درباره مسائل اهداف زندگی جوانان بسیار ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به اینکه دوره جوانی، دوره تولید و بازتولید هویت در میان جوانان است و در این میان مقاومت در مقابل فرهنگ کلی جامعه و خانواده بیشتر نمود دارد و آن‌ها بیشتر در تلاش‌اند تا هویتشان را بدون اتکا به بزرگ‌ترها بسازند، گرایش‌های فردگرایانه در آن‌ها بیشتر نمود پیدا می‌کند. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در فرهنگ‌های جمع‌گرا، افراد برای تلاش در جهت بهبود دیگران و ارتقا و بهبود ارزش بیشتری قائل هستند و به موضوعاتی مانند موفقیت فردی که در فرهنگ‌های فردگرا بیشتر مورد توجه و ارزش‌گذاری قرار دارند، توجه کم‌تری می‌کنند (اوشی و داینر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). در واقع اهداف و آرزوهای زندگی مفهوم پیچیده‌ای است که عوامل فردی و زمینه‌ای در شکل‌گیری آن نقش دارند.

اولویت‌های ارزشی که افراد در زندگی خود دارند منعکس‌کننده خلق‌و‌خو، شخصیت، تجارب اجتماعی منحصر به فرد و فرهنگ آن‌هاست (اسمیت و شوارتز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷؛ روکیچ<sup>۴</sup>،

1. Hofstede
2. Oishi & Diener
3. Smith & Schwartz
4. Rokeach

۱۹۷۳). در خلال دو دهه گذشته، مفهوم اهداف و آرزوهای زندگی روان‌شناسان اجتماعی را که در پی تبیین گرایش‌های انسان به سازمان دادن زندگی خویش بوده‌اند، به خود جلب کرده است. پژوهشگران در جست‌وجوی ملاک‌هایی که بتوانند جنبه‌های منحصر به فرد فرهنگ‌ها را ترسیم کنند، بیش از پیش به شناسایی محتوا و ساختار اهداف زندگی روی آورده‌اند (اینگلهارت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۲). شناسایی شاخص‌های فرهنگ در محتوا و ساختار اهداف زندگی، افزون بر ترسیم مرزهای ارزشی هر فرهنگ و قلمروهای مشترک ارزشی بین فرهنگ‌ها، واجد این مزیت است که با برجسته ساختن درهم تنیدگی‌های توافقی و تعارضی ارزش‌ها در درون یک فرهنگ، تحلیل‌هایی در باب سطح خواسته، سازش‌یافتگی و تعارض گروه‌ها را در کل جامعه میسر می‌سازد. به همین علت انجام پژوهش مبتنی بر بافت دارای اهمیت است (کلانی و همکاران، ۱۳۹۷).

مؤلفان متعدد فرایند بنا شدن اهداف زندگی را به منزله فرایندی دانسته‌اند که در خلال فراخنای زندگی تکامل می‌یابد (فیتز<sup>۲</sup>، ۱۹۸۰). روان‌شناسان، مطالعات بین فرهنگی خود را از قرن ۱۹ آغاز کرده‌اند (بری<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۷). روان‌شناسی بین فرهنگی، شباهت‌ها و تفاوت‌های کنش‌وری روان‌شناختی افراد در فرهنگ‌های مختلف را مطالعه می‌کند (محمدی، ۱۳۸۷). این مطالعه شامل متغیرهای مرتبط با این کنش‌ها و تغییرات آن نه فقط در فرهنگ‌های مختلف، که در هر فرهنگ در طول زمان است. از جمله این کنش‌ها می‌توان به انتخاب‌های فردی در هدف‌های زندگی براساس جوامع و فرهنگ‌های مختلف توجه کرد. در ادامه سخن نخست مهم‌ترین ملاک‌ها و نظریه‌هایی که به ترتیب از زمان تأسیس این رشته در پژوهش‌ها و در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته‌اند بررسی و تشریح خواهند شد و در ادامه اهداف براساس مهم‌ترین نظریه‌های موجود در این زمینه تبیین می‌شوند. در تعدادی قابل توجه از تحقیقات بین فرهنگی دهه اخیر، برای توصیف شرایط فرهنگی جوامع مختلف از ملاک‌های «جمع‌گرایی»<sup>۴</sup> و «فردگرایی»<sup>۵</sup> فرهنگی استفاده می‌شود که یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای فرهنگی است (تریاندیس، ۲۰۰۱). فردگرایی و جمع‌گرایی به‌عنوان الگوهای فرهنگی، از لحاظ نظری و

- 
1. Inglehart
  2. Feather
  3. Berry
  4. Collectivism
  5. Individualism

تجربی در ردیف شناخته‌شده‌ترین و محبوب‌ترین مفاهیم روان‌شناسی بین‌فرهنگی معاصر هستند و برای توصیف، تبیین و پیش‌بینی تفاوت در نگرش‌ها، ارزش‌ها، رفتارها، شناخت، ارتباطات، اسنادها، جامعه‌پذیری و خودپنداره‌ها به کار می‌روند (اویسرمان<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). همچنین فردگرایی-جمع‌گرایی به منزله‌سازه‌ای بین‌رشته‌ای، در بسیاری از زمینه‌های علوم اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد (پاورس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). از این رو، عدم ملاحظات بین‌رشته‌ای در مطالعه‌چنین سازه‌ای، به تعبیر تریانندیس مانند فیل‌شناسی در تاریکی است (تریانندیس، ۲۰۰۱).

فردگرایان از لحاظ عاطفی، خالی از هیجانات درون‌گروهی هستند و بر خوداتکایی، استقلال، لذت و کام‌جویی تأکید می‌کنند (گرین<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). در مقابل، رفتارها و نگرش‌های افراد جمع‌گرا، توسط هنجارها و مطالبات درون‌گروهی خانواده‌گسترده یا جامعه صمیمی تعیین می‌شود (اویسرمان و همکاران، ۲۰۰۲).

مطالعات قبلی نشان داده است که جمع‌گرایی بیشتر در کشورهای آسیایی دیده می‌شود و نمونه‌های بارز آن چین، هنگ‌کنگ، هند، ژاپن، پاکستان و تایوان است. پژوهش‌های بین‌فرهنگی نیز نشان می‌دهند که ایران نیز کشوری جمع‌گراست. از سوی دیگر، فردگرایی بیشتر در کشورهای غربی دیده می‌شود که بارزترین نمونه‌های آن استرالیا، انگلستان، کانادا و آمریکا است (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵). با این حال درون‌هر جامعه (چه شرقی و چه غربی) افرادی از هر دو گروه وجود دارند (تریانندیس و همکاران، ۱۹۸۵). مطالعات بعدی نشان داد که بعد فردگرایی-جمع‌گرایی به‌تنهایی برای تبیین تفاوت‌های بین‌فرهنگی کافی نیست. تریانندیس و تریانندیس (۲۰۱۲) دریافتند که در چارچوب فرهنگ‌های فردگرا، تفاوت‌های قابل‌ملاحظه‌ای وجود دارد، همچنان که این تفاوت‌ها درون فرهنگ‌های جمع‌گرا نیز صادق است. به عبارت دیگر، ترتیب خطی از روابط به‌عنوان افقی یا عمودی بودن، بعد مهم دیگری است که فرهنگ‌ها را از هم متمایز می‌کند. فرهنگ‌هایی که بر روابط عمودی تأکید می‌کنند، افراد را براساس رتبه‌بندی و سلسله‌مراتب اجتماعی دقیق از هم تفکیک می‌کنند؛ در مقابل، فرهنگ‌هایی که بر روابط افقی تأکید می‌کنند، به تساوی همه افراد و برقراری سلسله‌مراتب اجتماعی یک‌نواخت

---

1. Oyserman  
2. Powers  
3. Green

گرایش دارند. برخورداری از چنین ویژگی‌هایی می‌تواند از سویی سطح تعاملات و از سوی دیگر، اهداف زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد.

از دهه ۱۹۸۰، پژوهشگران از دیدگاه‌های متفاوت به بررسی وسیع فرایندها و ابعاد مربوط به فعالیت‌ها و آرزوهای پرداختند که مردم غالباً به دنبال آن بودند (پروین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). در حوزه روان‌شناسی نظریه‌های زیادی به تبیین اهداف زندگی جوانان پرداخته‌اند. از جمله می‌توان نظریه انگیزشی «خودمختاری» دسی و رایان<sup>۲</sup> (۱۹۸۵، ۱۹۹۱)، به نقل از گروزت<sup>۳</sup> و همکاران، (۲۰۰۵) و نظریه ساختار انگیزشی (کاکس و کلینجر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲، ۲۰۱۱) اشاره کرد. در نظریه خودمختاری محتوای اهداف زندگی یا آرزوهای جوانان به دو گروه بیرونی<sup>۵</sup> یا درونی<sup>۶</sup> تقسیم می‌شوند (کاسر و رایان<sup>۷</sup>، ۱۹۹۶) و در نظریه ساختار انگیزشی، اهداف افراد یا انطباقی‌اند یا غیرانطباقی (کاکس و کلینجر، ۲۰۰۲).

مطالعات انجام شده در نظریه خودمختاری، چهار آرزوی رشد شخصی<sup>۸</sup> (خودمختار بودن در انتخاب و انجام دادن اعمال و کسب بینش هر چه بیشتر در رابطه با اعمال و کارهای موردعلاقه)، ارتباط یا پیوندجویی<sup>۹</sup> (داشتن روابط صمیمانه و متعهدانه با دیگران)، همکاری اجتماعی<sup>۱۰</sup> (تلاش برای بهتر کردن جامعه و کمک به دیگران برای بهبود زندگی‌شان) و حفظ سلامتی<sup>۱۱</sup> را به عنوان آرزوهای ذاتی<sup>۱۲</sup> و کسب ثروت<sup>۱۳</sup>، شهرت<sup>۱۴</sup> و زیبایی را به عنوان سه آرزوی بیرونی<sup>۱۵</sup> مطرح کرده‌اند (کاسر و رایان، ۱۹۹۳).

در ادامه گروزت و همکاران (۲۰۰۵) جهت تعمیم بیشتر آرزوهای ذاتی و بیرونی در فرهنگ‌هایی با تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی، شناسایی تمایزات بیشتر میان اهداف ذاتی و بیرونی و شناسایی اهداف و ابعاد و رای هفت آرزو و دو بُعد ذاتی و بیرونی، با مطالعه بر

- 
1. Pervin
  2. Deci, & Ryan
  3. Grouzet
  4. Cox & Klinger
  5. external
  6. internal
  7. Kasser & Ryan
  8. personal growth
  9. affiliation
  10. community contribution
  11. health
  12. intrinsic aspirations
  13. wealth
  14. fame
  15. extrinsic aspirations

۱۸۵۴ دانشجوی از ۱۵ فرهنگ متفاوت، علاوه بر تأیید ابعاد ذاتی و بیرونی آرزوها که پیش از این مطرح شده بود، بُعد دو قطبی دیگری از آرزوها را با عنوان آرزوهای تعالی خود<sup>۱</sup> در برابر آرزوهای خود جسمانی<sup>۲</sup> مطرح کردند که چهار آرزوی هم‌نوایی<sup>۳</sup>، لذت‌جویی<sup>۴</sup>، ایمنی<sup>۵</sup> و معنویت<sup>۶</sup> را شامل می‌شود. در مطالعه آن‌ها این یازده آرزو در ساختاری مدور به‌طور یکسانی در کشورهای فقیر و غنی به‌دست آمدند. به این صورت که آرزوی همکاری اجتماعی علاوه بر قرار گرفتن در بُعد ذاتی، گرایشی را به بُعد تعالی خود نشان داد. در حالی که دو آرزوی سلامتی و موفقیت مالی علاوه بر قرارگیری در بُعد ذاتی و بیرونی گرایشی را به بُعد خود جسمانی نشان دادند. در میان چهار آرزوی جدید نیز آرزوی معنویت در بُعد تعالی خود و آرزوی لذت‌جویی در بُعد خود جسمانی قرار گرفت، آرزوی ایمنی نیز گرایشی را به ابعاد ذاتی و خود جسمانی نشان داد و آرزوی هم‌نوایی نیز گرایشی را به ابعاد بیرونی و تعالی خود نشان داد.

مطالعات انجام شده در این نظریه در سطوح مختلف فرهنگی، اقتصادی، سنی و جنسیتی نشان داده است که پیگیری و ارزش‌گذاری محوری آرزوهای بیرونی با بهزیستی و سلامت روان‌شناختی پایین و در مقابل، ارزش‌گذاری آرزوهای ذاتی با پیامدهای مثبت روان‌شناختی همراه است (کاسر، ۱۹۹۶). تبیین این نظریه در خصوص یافته‌های فوق این است که آرزوهای ذاتی به دلیل فرایند اکتساب خودمختاری‌شان (این آرزوها اغلب به واسطه‌ی انگیزش‌های ذاتی<sup>۷</sup> و همسان‌سازی شده<sup>۸</sup> پیگیری می‌شوند) و ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی با پیامدهای مثبت همراه بوده و به‌طور عکس، آرزوهای بیرونی به دلیل فرایند اکتساب غیر خودمختارشان (این آرزوها اغلب به واسطه‌ی انگیزش‌های بیرونی<sup>۹</sup> و درون‌فکنی شده<sup>۱۰</sup> پیگیری می‌شوند) و عدم ارضای نیازهای روانی با پیامدهای منفی همراه‌اند (دسی و رایان، ۲۰۰۰).

1. Self-transcendence
2. Physical-self
3. Conformity
4. Safety
5. Hedonism
6. Spirituality
7. intrinsic motivation
8. identified motivation
9. extrinsic motivation
10. introjected motivation

کرمی و هاشم‌زاده (۱۳۸۹) در پژوهشی نشان داد که میان‌گرایش‌های ارزشی دانشجویان هندی و ایرانی در سه ارزش محافظه‌کاری، امنیت‌گرایی و سنت‌گرایی تفاوت معناداری وجود دارد. دانشجویان ایرانی تمایل بیشتری به انتخاب ارزش امنیت‌گرایی در مقایسه با دانشجویان هندی از خود نشان داده‌اند و درمقابل دانشجویان هندی تمایل بیشتری به انتخاب ارزش محافظه‌کاری و سنت‌گرایی در مقایسه با دانشجویان ایرانی از خود نشان داده‌اند. خیر (۱۳۸۸) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که دانشجویان ایرانی در مجموع سه اولویت بیان شده به ترتیب به اهداف «ادامه تحصیل در سطح بالاتر»، «ازدواج و تشکیل خانواده» و «رشد معنوی» را انتخاب کرده بودند. دانشجویان آمریکایی نیز در مجموع سه اولویت به ترتیب «ازدواج و تشکیل خانواده»، «رشد اقتصادی» و «اتمام تحصیلات کنونی» را بیان کرده بودند. سهامی (۱۳۸۷) در پژوهشی نشان داد که اولویت‌های ارزشی دانشجویان به ترتیب شامل خودمتعالی، ارتقای خود، محافظه‌کاری و آمادگی برای تغییر است. اسعدی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که میانگین نمرات شیوه دانستن مستقل و فردگرایی عمودی به طور معنی‌دار در دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر و در دانشجویان ایرانی بیشتر از دانشجویان آمریکایی بود.

اوبوچی<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۹) نشان دادند که جمع‌گراها در موقعیت‌های متعارض، عمدتاً به حفظ روابط با دیگران توجه نشان می‌دهند، درحالی‌که فردگراها به برقراری عدالت اهمیت می‌دهند. هیزرمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) پژوهشی با عنوان تفاوت ارزشی میان دانشجویان از سه ملیت ایرانی، نیجریه و ایالات متحده انجام دادند و ارزش‌های مورد نظر خود را رتبه‌بندی کردند دانشجویان ایرانی به ترتیب ارزش‌های عقل، آزادی و صلح جهانی را به‌عنوان مهم‌ترین اولویت‌های خود عنوان کردند. روکیچ<sup>۳</sup> (۱۹۷۳) به این نتیجه دست یافت که تفاوت معناداری بین نظام ارزش‌های زنان و مردان در آمریکا وجود دارد، یعنی زنان به برخی از ارزش‌ها مانند: صلح جهانی، خوشبختی، توازن درونی، نجات و جاودانگی در جهان آخرت، حکمت، بهداشت و عشق نسبت به مردان اهمیت قائل‌اند، ولی برای مردان ارزش‌هایی چون زندگی هیجانی، موفقیت، آزادی، خوشبختی، اعتبار اجتماعی، بلندپروازی، لیاقت، خیال و به‌کارگیری منطق در مقایسه با زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است.

1. Ohbuchi

2. Heiserman

3. Rokeach

در مجموع با مرور مبانی نظری و تجربی که ذکر شد، اگر چه نظریه «فرهنگ جمع‌گرا و فردگرا» و نظریه «خودمختاری» دسی و رایان با دیدگاه جدید در حوزه اهداف زندگی و آرزوهای جوانان مطابقت بیشتری دارند، و به نظر می‌رسد از توانایی تبیین عمیق‌تری در این رابطه برخوردار باشند. در عین حال چنین به نظر می‌رسد که محدودیت‌هایی نیز دارند. اول اینکه، اگر چه تعمیم‌پذیری بین فرهنگی در خصوص تفاوت بین اهداف درونی و بیرونی وجود دارد، اما این موضوع احتمالاً در مورد کشورهای صنعتی صادق است که به طور معمول شامل کشورهای غربی است. این امر لزوم انجام مطالعات گسترده به خصوص در فرهنگ‌های شرقی را نشان می‌دهد (گروزت و همکاران، ۲۰۰۵). دوم، در این برهه زمانی از جنبه نظریه‌های رشد، به نظر می‌رسد که اهداف درونی و بیرونی اساساً مساوی و برابر هستند، در حالی که ممکن است بین آن‌ها تفاوت‌های عمده‌ای در هر کدام از اهداف شخصی وجود داشته باشد. سوم اگر چه ممکن است محتوای هدف زندگی در فرهنگ‌های متفاوت ظاهراً در بیان یکسان به نظر برسند، اما به لحاظ معنایی ممکن است که محتوای یکسان در دو فرهنگ به طور کامل متفاوت باشند (گروزت و همکاران، ۲۰۰۵). چنین به نظر می‌رسد که هیچ‌کدام از نظریه‌های مذکور به تنهایی و به طور کامل نمی‌توانند پدیده اهداف زندگی و آرزوهای دانشجویان را تبیین کنند. احساس می‌شود که باید شرایطی که تحت آن‌ها، این نظریه‌ها قادرند پدیده هدف و آرزوها را تبیین کنند در نظر گرفته شود، چون بافت‌های فرهنگی متفاوت و مجموعه شرایط فرهنگی در تعیین اولویت اهداف زندگی می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد و پی‌بردن به این تفاوت‌ها می‌تواند به درک و فهم بیشتر فرهنگ‌ها و برنامه‌ریزی جهت اهداف زندگی جوانان در هر فرهنگ کمک کنند.

هدف اصلی پژوهش حاضر، استنتاج روابط معنایی و ساختاری در دوره جوانی در دانشجویان ایرانی و آمریکایی است. چگونگی حضور معانی و ساختارهای اهداف زندگی و مشابهت‌ها یا انحراف‌های آن‌ها با یافته‌های دیگر فرهنگ‌ها، تفسیرهایی را در جهت بازنمایی ویژگی‌های خاص جوانان ایرانی فراهم می‌کند. در واقع نه فقط جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، که نوع بشر علاقه‌مند به دانستن تأثیر فرهنگ بر کنش‌های روان‌شناختی افراد هستند. علی‌امیمه و همکاران (۱۳۸۸) به تبع الگوی تایلر<sup>۱</sup>، اظهار می‌کنند که بدون در نظر گرفتن رابطه فرد با خانواده، گروه، و قوم خاص، که در یک کشور و در

---

1. Tyler

قلمرو فرهنگ خاص به‌سر می‌برند، تعریف انسان و کنش‌های رفتاری وی ناممکن است. بر این اساس پیش‌فرض پژوهش حاضر آن است که دانشجویان نیز مانند سایر گروه‌ها، در تعامل با فرهنگ‌های مختلف، به مفهوم زندگی پی می‌برند و هدف‌های زندگی و اولویت‌بندی خود در آن را تعیین می‌کنند. در همین راستا، پژوهش حاضر به تعیین نوع، اولویت‌بندی، و مقایسه اهداف و آرزوهای دانشجویان ایرانی و آمریکایی با تأکید بر فرهنگ جمع‌گرایی و فردگرایی این دو کشور می‌پردازد. اهمیت این پژوهش را می‌توان با محوریت رابطه کیفیت‌های شخصی با مختصات فرهنگی جامعه موردالتهفات قرار داد. برای جامعه‌شناسان، آگاهی از نوع و ترجیح هدف‌ها و آرزوهای جوانان حامل پیام‌های مهمی است، به‌ویژه اگر این مطالعه در یک زمینه بین‌فرهنگی صورت گرفته باشد.

سؤالات اصلی این پژوهش عبارت هستند از:

۱. اولویت‌بندی حوزه‌های اهداف و آرزوهای زندگی برای دانشجویان ایرانی و آمریکایی چگونه است؟
۲. اولویت‌بندی ابعاد اهداف و آرزوهای زندگی برای دانشجویان ایرانی و آمریکایی چگونه است؟

## روش

روش پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش در نمونه ایرانی شامل دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران و در نمونه آمریکایی، شامل دانشجویان دانشگاه میسوری در ایالت کلمبیا<sup>۱</sup> بودند. از دانشگاه علامه طباطبایی با روش نمونه‌گیری در دسترس نمونه‌ای به حجم ۲۵۰ نفر انتخاب به همان تعداد پرسش‌نامه بین آن‌ها توزیع شد، اما نمونه نهایی شامل ۲۱۶ نفر با نرخ تکمیل ۸۶ درصد بود. از این میان در نمونه دانشگاه علامه طباطبایی، ۹۶ نفر مرد (۴۴ درصد) و ۱۲۰ نفر آن‌ها زن (۵۶ درصد) بودند. همچنین از نمونه آمریکایی ۱۶۴ نفر شامل ۵۸ نفر مرد (۳۵ درصد) و ۱۰۶ نفر آن‌ها زن (۶۵ درصد) بودند. گردآوری داده‌های دانشجویان آمریکایی به این شکل بود که، محققان پس از مطالعه مقاله‌ای گروزت و همکاران (۲۰۰۵) با عنوان ساختار محتوای اهداف زندگی در پانزده فرهنگ، که در مجله شخصیت و روان‌شناسی اجتماعی<sup>۲</sup> به چاپ رسیده بود،

1. The University of Missouri at Columbia  
2. Journal of Personality and Social Psychology

با نویسنده مسئول مقاله (تیم کیسر<sup>۱</sup> استاد دانشگاه ناکس) مکاتباتی مبنی بر در اختیار قرار دادن داده‌های پژوهششان برای انجام پژوهشی بین‌فرهنگی صورت دادند؛ لذا تیم کیسر از بین داده‌های پانزده فرهنگ، داده‌های کشور آمریکا را در اختیار پژوهش حاضر قرار دادند.

شاخص آرزو گروزت و همکاران (۲۰۰۵): این نسخه از نمایه آرزو مبتنی بر نسخه‌های اولیه (کاسر و ریان، ۱۹۹۶، ۱۹۹۳؛ سبزه‌آرای لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۴) و دارای ۴۷ ماده و پاسخ‌دهنده با یازده آرزو در دو بُعد آرزوهای ذاتی-بیرونی و آرزوهای تعالی خود-خودجسمانی مواجه می‌شود و می‌بایست میران اهمیت و شانس دست‌یابی به هر هدف را بر مقیاسی ۹ درجه‌ای (۱=اصلاً، ۹=به شدت) ارزیابی کند. در مطالعه گروزت و همکاران (۲۰۰۵)، میانگین و میانه آلفای کرونباخ عوامل در پانزده کشور به ترتیب در موفقیت مالی ۰/۸۴ و ۰/۸۳، زیبایی ۰/۷۴ و ۰/۷۶، هم‌نوایی ۰/۶۷ و ۰/۶۲، شهرت ۰/۷۳ و ۰/۷۱، خودپذیری ۰/۷۹ و ۰/۷۳، پیوندجویی ۰/۸۱ و ۰/۷۵، احساس اجتماعی ۰/۷۵ و ۰/۷۱، سلامت جسمانی ۰/۷۲ و ۰/۷۴، لذت‌جویی ۰/۷۰ و ۰/۷۲، امنیت ۰/۷۱ و ۰/۷۰ و معنویت ۰/۹۰ و ۰/۸۷ به دست آمد (گروزت و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین داخل کشور کارشکی و همکاران (۱۳۹۱) شاخص مذکور را پس از ترجمه و احراز روایی محتوایی و مناسبت فرهنگی، زبانی و روان‌شناختی اجرا کردند. پایایی سؤالات را با استفاده از روش آلفای کرونباخ مناسب گزارش کردند به جز خرده هدف امنیت که از همسانی درونی مطلوبی برخوردار نبوده و در ادامه، از تحلیل کنار گذاشته شده است بقیه خرده هدف‌ها چه در اهمیت اهداف و آرزوها و چه در شانس دست‌یابی به اهداف و آرزوها از همسانی درونی رضایت‌بخشی برخوردار بودند. همچنین برای روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده کردند که شاخص‌های ذکر شده حاکی از روایی سازه‌ی مناسب ابزار است (RMSEA=۰/۰۹، GFI=۰/۹۲، AGFI=۰/۹۰، CFI=۰/۹۳، NFI=۰/۹۴، DF=۸۱۵،  $X^2=185/92$ ). یکی از روش‌های دیگری که جهت بررسی روایی آزمون اهداف و آرزوهای زندگی مورد استفاده قرار گرفت، محاسبه هم‌پستگی آن با پرسش‌نامه جهت‌گیری‌های مذهبی بود که بین اهداف بیرونی با مذهب بیرونی رابطه معنی‌داری مشاهده شد ( $p < 0/05$ ). همچنین بین اهداف ذاتی با مذهب درونی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت ( $p < 0/01$ ).

### یافته‌ها

بررسی توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان ۴۴ درصد از پاسخ‌دهندگان ایرانی را مردان و ۵۶ درصد از پاسخ‌دهندگان را زنان تشکیل می‌دهند. میانگین و انحراف معیار سن دانشجویان پسر ایرانی ۲۱/۴۷ و ۱/۷۵ و برای دانشجویان دختر آمریکایی ۲۲/۸۰ و ۲/۴۴ بود. ۳۵ درصد از پاسخ‌دهندگان آمریکایی را مردان و ۶۵ درصد از پاسخ‌دهندگان را زنان تشکیل می‌دهند. میانگین و انحراف معیار سن دانشجویان پسر آمریکایی ۱۸/۹۸ و ۱/۷۸ و برای دانشجویان دختر آمریکایی ۱۸/۳۷ و ۱/۱۳ بود.

توزیع نرمال برای نمرات متغیرهای وابسته نتایج آزمون کولموگراف-اسمیرنف برای نرمال بودن توزیع نمرات در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱ نتایج آزمون کولموگراف-اسمیرنف برای فرض نرمال بودن داده‌ها در دانشجویان ایرانی و آمریکایی

متغیرها	دانشجویان ایرانی		دانشجویان آمریکایی	
	آماره	درجه آزادی	آماره	درجه آزادی
اهداف ذاتی	۲/۳۱**	۲۱۶	۰/۹۷	۱۶۴
پذیرش خود	۲/۵۳**	۲۱۶	۱/۳۴*	۱۶۴
ارتباط یا پیوندجویی	۱/۸۲**	۲۱۶	۳/۱۶**	۱۶۴
همکاری یا احساس اجتماعی	۲/۲۶**	۲۱۶	۱/۷۶**	۱۶۴
حفظ سلامت بدن	۲/۴۳**	۲۱۶	۱/۴۷*	۱۶۴
اهداف بیرونی	۱/۲۸	۲۱۶	۰/۸۶	۱۶۴
ثروت	۲/۱۱**	۲۱۶	۱/۰۷	۱۶۴
زیبایی (جذابیت)	۱/۶۸**	۲۱۶	۱/۰۱	۱۶۴
شهرت	۱/۳۸*	۲۱۶	۰/۸۳	۱۶۴
اهداف خودجسمانی	۲/۱۷**	۲۱۶	۱/۵۵*	۱۶۴
لذت‌جویی	۲/۱۷**	۲۱۶	۱/۵۵*	۱۶۴
اهداف تعالی خود	۱/۵۴*	۲۱۶	۱/۳۱	۱۶۴
معنویت	۱/۸۲**	۲۱۶	۱/۷۲**	۱۶۴
هم‌نوایی	۱/۱۲	۲۱۶	۰/۹۲	۱۶۴

\*\* هم‌بستگی در سطح  $p < 0/01$  \* هم‌بستگی در سطح  $p < 0/05$

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود پیش فرض نرمال بودن برای متغیرهای پژوهش در هر دو گروه برای اکثر متغیرها در عضویت گروهی تأیید نمی‌شود و توزیع آنان نرمال نیست. فرض اساسی در آمار پارامتریک برخوردار بودن مشاهدات از توزیع نرمال است. در حالی که در آزمون‌های ناپارامتریک این فرض ضرورتی ندارد؛ به این دلیل در پژوهش حاضر از آزمون‌های آمار ناپارامتریک استفاده شد.

اولویت‌بندی حوزه‌های اهداف و آرزوهای زندگی با به کارگیری آزمون فریدمن میانگین رتبه حوزه‌های اهداف و آرزوها به تفکیک دانشجویان ایرانی و آمریکایی در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲ نتایج آزمون فریدمن در اولویت‌بندی حوزه‌های اهداف و آرزوهای دانشجویان ایرانی و آمریکایی

ملیت	اهداف و آرزوها	میانگین رتبه	اولویت میانگین	کای دو محاسبه شده درجه آزادی
آمریکایی	اهداف ذاتی	۳/۵۲	اول	۲۱۱/۶۳**
	اهداف بیرونی	۱/۷	چهارم	
	اهداف خودجسمانی	۲/۸۶	دوم	
	اهداف تعالی خود	۱/۹۲	سوم	
ایرانی	اهداف ذاتی	۳/۰۲	اول	۷۴/۵۵**
	اهداف بیرونی	۲/۲۴	سوم	
	اهداف خودجسمانی	۲/۶۹	دوم	
	اهداف تعالی خود	۲/۰۵	چهارم	

\*\* هم‌بستگی در سطح  $p < 0.01$

نتایج آزمون فریدمن نشان داد که اولویت‌بندی دانشجویان آمریکایی به ترتیب شامل اهداف و آرزوهای ذاتی، خودجسمانی، تعالی خود و بیرونی و دانشجویان ایرانی به ترتیب شامل اهداف و آرزوهای ذاتی، خودجسمانی، بیرونی و تعالی خود است.

اولویت‌بندی ابعاد اهداف و آرزوهای زندگی با به کارگیری آزمون فریدمن نتایج آزمون فریدمن نشان داد که سه اولویت اول اهداف و آرزوهای دانشجویان آمریکایی به ترتیب شامل ارتباط یا پیوندجویی، پذیرش خود و سلامت جسمانی و دانشجویان ایرانی به ترتیب شامل پذیرش خود، سلامت جسمانی و همکاری اجتماعی است.

جدول ۳ نتایج آزمون فریدمن در اولویت‌بندی ابعاد اهداف و آرزوهای دانشجویان ایرانی و آمریکایی

درجه آزادی	کای دو	میانگین رتبه	اولویت میانگین	مؤلفه (ابعاد)	مؤلفه (ابعاد)	ملیت
۹	۵۲۶/۸۷**	۷/۸۱	دوم	۷/۱۵	پذیرش خود	آمریکایی
		۸/۳۲	اول	۸/۷۶	ارتباط یا پیوندجویی	
		۷/۴۸	چهارم	۶/۵۳	همکاری اجتماعی	
		۷/۵۵	سوم	۶/۶۹	حفظ سلامت بدن	
		۶/۲۸	هفتم	۴/۵	ثروت	
		۵/۵۷	دهم	۳/۰۱	زیبایی (جذابت)	
		۶/۱۹	هشتم	۴/۲۰	شهرت	
		۷/۱۲	پنجم	۵/۹۷	لذت جویی	
		۶/۳۳	ششم	۵/۰۶	معنویت	
		۵/۶۳	نهم	۳/۱۵	هم‌نوایی	
۹	۵۱۲/۱۸**	۷/۹۷	اول	۷/۵۶	پذیرش خود	ایرانی
		۶/۵۴	دهم	۳/۴۷	ارتباط یا پیوندجویی	
		۷/۸۳	دوم	۷/۲۲	همکاری اجتماعی	
		۷/۷۲	سوم	۷/۱۴	حفظ سلامت بدن	
		۷/۵۲	چهارم	۶/۴۹	ثروت	
		۶/۷۷	هفتم	۴/۶۴	زیبایی (جذابت)	
		۶/۵۱	نهم	۳/۷۴	شهرت	
		۷/۱۴	پنجم	۵/۶۶	لذت جویی	
		۶/۸۱	ششم	۵/۰۲	معنویت	
		۶/۵۴	هشتم	۴/۰۶	هم‌نوایی	

\*\* هم‌بستگی در سطح  $p < 0.01$

### بحث و نتیجه‌گیری

اهداف زندگی به شدت تحت تأثیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی و تحولات در انگیزش‌ها، رجحان‌ها و الگوهای رفتاری تک‌تک افراد یک جامعه است. نتایج نشان داد که

اولویت‌بندی اهداف و آرزوهای دانشجویان آمریکایی به ترتیب شامل اهداف و آرزوهای ذاتی، اهداف خودجسمانی، اهداف تعالی‌خود و اهداف بیرونی و دانشجویان ایرانی به ترتیب شامل اهداف و آرزوهای ذاتی، اهداف خودجسمانی، اهداف بیرونی و اهداف تعالی‌خود است. با مرور پیشینه مربوطه، پژوهشی که اهداف را به صورت، اهداف ذاتی، بیرونی، خودجسمانی و تعالی‌خود تقسیم‌بندی کرده باشد یافت نشد تا براساس آن بتوان به مقایسه پرداخت، اما نتایج پژوهش خیر (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که سه اولویت اهداف زندگی در بین دانشجویان ایرانی به ترتیب ادامه تحصیل در دوره‌های بالاتر تحصیلی، تشکیل خانواده و رشد معنوی و سه اولویت اهداف زندگی در بین دانشجویان آمریکایی به ترتیب تشکیل خانواده، رشد اقتصادی، و اتمام تحصیلات کنونی است. اگر ادامه تحصیل و رشد اقتصادی را در زیرمجموعه اهداف بیرونی قرار بدهیم یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش خیر (۱۳۸۸) هماهنگ و همسو نیست و همچنین در پژوهش خیر (۱۳۸۸) معنویت در اولویت سوم است، اما در پژوهش حاضر اهداف تعالی‌خود در بین سه اولویت اول دانشجویان ایرانی نیست. نتایج پژوهش سهامی (۱۳۸۷) نشان داد که اولویت‌های ارزشی دانشجویان به ترتیب خودمتعالی، ارتقای خود، محافظه‌کاری و آمادگی برای تغییر است که با نتایج پژوهش حاضر هماهنگ و همسو نیست، زیرا در پژوهش حاضر اهداف تعالی‌خود در بین سه اولویت اول دانشجویان ایرانی نبود.

همانطور که نتایج نشان داد اولویت اول (اهداف ذاتی) و دوم (اهداف خودجسمانی) دانشجویان ایرانی و آمریکایی یکسان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت کشور ایران در دهه‌های اخیر به شدت تحت تأثیر فرایند جهانی شدن قرار گرفته و بسیاری از ابعاد زندگی ساکنان آن به خصوص در حوزه اقتصاد، فرهنگ، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و دیگر عرصه‌های حیات اجتماعی متأثر از این فرایند دستخوش دگرگونی‌های قاطعی شده است (خواجه نوری، ۱۳۸۵، ص ۱۲). نفوذ فناوری‌هایی همچون ماهواره، اینترنت و امکانات آن‌ها موجب شده تا بسیاری از جوانان با الگوهای متنوعی از زندگی روبه‌رو شوند و از میان آن‌ها با توجه به امکانات مختلفی که در اختیار دارند، دست به انتخاب بزنند. وجود این الگوها و سبک‌های متفاوت زندگی که عمدتاً بر مبنای فلسفه سکولاریسم، لیبرالیسم و به طور کلی وارداتی هستند، به شکل دادن حوزه‌های فردی و عمومی هر فردی منجر می‌شود (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۸، ص ۱). تنوع زیاد سبک‌های زندگی موجب انسجام درون‌گروهی و جدا شدن گروه‌های اجتماعی از

یکدیگر و در نتیجه تقویت فردگرایی می‌شود. از این روست که با توجه به مطالعات پیشین شاهد آن هستیم که سبک زندگی نوین، جوانان را به طرف فردی شدن و منزوی شدن سوق داده است (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۷۱۴) و این امر خود نشان‌دهنده رفتار فردگرایانه جوانان می‌شود. در تبیین دیگر می‌توان گفت که طبق نظریه خودتعیینی، سه نیاز «خودپیروی»، «شایستگی» و «مرتبط بودن» به صورت فطری در تمامی انسان‌ها و همه فرهنگ‌ها وجود دارند (ایوانز<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۳) و ارضای این نیازها به مانند خوراک روان‌شناختی برای خودتنظیمی و بهزیستی روانی همه افراد و در تمام «فرهنگ‌ها» لازم و ضروری‌اند (دسی و وانستینکیست<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳).

همانطور که نتایج نشان داد اهداف تعالی خود در بین سه اولویت اول دانشجویان ایرانی نبود، در تبیین این یافته، اظهارات اینگلهارت می‌تواند کلیدی و راهگشا باشد. اینگلهارت سه عامل افزایش احساس امنیت، از بین رفتن کارکرد هنجارهای اجتماعی مذهبی و ناهمسانی شناختی را برای کم‌رنگ شدن هنجارهای مذهبی اجتماعی و هنجارهای جنسی سنتی در کشورهای پیشرفته صنعتی مؤثر می‌داند. دلیل اولی که باعث افول این هنجارها شده است، افزایش احساس امنیت است که نیاز به هنجارهای مطلق را تضعیف کرده است. انسان‌ها تحت شرایط روانی نیاز به قوانین قابل پیش‌بینی و خشک دارند که آنچه روی می‌دهد مطمئن باشند، زیرا در خطر هستند. درحالی که در شرایط امن و بی‌خطر می‌توان تنوع و اختلاف بیشتری را تحمل کرد. وی بیان می‌کند که وقتی فرد تحت فشار باشد آسیب روانی انحراف از هنجارهای که با آن بزرگ شده است سخت‌تر از زمانی است که احساس امنیت می‌کند. دلیل دوم این است که هنجارهای اجتماعی و مذهبی معمولاً حداقل در ابتدا زمینه کارکردی دارند. هنجارهای با اهمیتی در سطح فردی اولویت یافته و به سهم خود به پیامدهایی در سطح سیستم جامعه منجر می‌شود. از دیدگاه اینگلهارت فرهنگ و لزوم ارزش تاحد زیادی وابسته به شرایط اقتصادی است. وی تغییرات در سطح سیستم توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت گسترده‌تری از جامعه، افزایش تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی مثل فقدان جنگ و گسترش ارتباطات جمعی، نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند. صنعتی شدن و مدرنیزاسیون دو مفهوم مهم در تغییرات اجتماعی هستند. جامعه

---

1. Evans

2. Deci & Vansteenkiste

صنعتی تأکید بسیار زیادی بر فناوری و جوانب فناورانه تغییر اجتماعی در سازمان‌ها و اجتماعات در فرایند انسجام و عدم انسجام به همان شکل تحرک جغرافیایی و اجتماعی دارد. اما عامل فناورانه که بر نظام صنعتی غالب شده صرفاً این نبوده و بُعد مهم دیگر اهمیت تسلط فرهنگی است که ارزش‌ها و هنجارها در نظام مبتنی بر شکل اجتماعی سرمایه‌داری رشد کرده‌اند. حداکثر از اعتقادات اقتصادی، محاسبه‌گری در سرمایه‌داری و به‌طور کلی روابط ابزاری که در جهت سودمندی توسعه یافته‌اند. مدرنیزاسیون نیز صرفاً دربرگیرنده متغیرهای بیرونی نمی‌شود، بلکه انتقال عمیق نگرش‌ها، عقاید و رفتاری را که انتقال اجزای فرهنگی است، شامل می‌شود. هر چند ارزش‌های غالب در جامعه صنعتی گرایش به رفع و تکمیل نیازها دارند، با ثبات اقتصادی گرایش به استانداردهای بالاتر ایجاد شود. در نتیجه باعث ارزش‌های پست‌مدرن در جوامع پیشرفته صنعتی می‌شود، مثلاً علایق زیبایی‌شناختی، خردمندی، احساس تعلق به گروه و جامعه بیشتر آموزش دیده و غیرشخصی می‌شود (خالقی فر، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳).

این‌گله‌ها دو فرضیه کمیابی و فرضیه جامعه‌پذیری را برای تغییر ارزش‌ها از مادی‌گرایی به فرامادی‌گرایی بیان می‌کند. فرضیه کمیابی اظهار می‌کند که اولویت‌های ارزشی، بازتاب محیط اقتصادی-اجتماعی افراد است، محیط اجتماعی که فرد در آن بالاترین ارزش‌های ذهنی را برای چیزهایی می‌دهد که عرضه آن‌ها کم‌تر است. براساس فرضیه جامعه‌پذیری رابطه بین محیط اجتماعی-اقتصادی و اولویت‌های ارزشی ناشی از سازگاری فوری نیست، بلکه فاصله زمانی قابل توجه دارد، چرا که تا حد زیادی ارزش‌های اساسی فرد بازتاب شرایطی است که در طی آن دوران قبل از بلوغ وی وجود داشته‌اند. فرضیه کمیابی شبیه به نظریه مطلوبیت نهایی است که در اقتصاد مطرح شده است. در ساده‌ترین شکل مفهوم سلسله‌مراتب نیازها تقریباً بر رضایت عمومی دلالت دارد. واقعیت این است که نیازهای مادی و فیزیولوژیکی بر نیازهای اجتماعی، زیبایی‌شناختی و ذهنی تقدم دارند که این موضوع در تاریخ زندگی بشر به کرات اتفاق افتاده است، مردم گرسنه برای دستیابی به غذا تمام سعی و تلاششان را به کار می‌برند. بین سطح اقتصاد و رواج ارزش‌های فرامادی رابطه دوطرفه وجود ندارد، زیرا این ارزش‌ها بازتاب احساسی هستند که فرد از امنیت اقتصادی دارد نه خود اقتصاد.

فرضیه جامعه‌پذیری تکمیل‌کننده فرضیه کمیابی است. براساس این فرضیه، ارزش‌های هر جامعه یک‌دفعه دچار تغییر نمی‌شوند، بلکه دگرگونی ارزشی به تدریج

صورت می‌گیرد. این تغییر در سطح گسترده زمانی اتفاق می‌افتد که یک نسل جوان‌تر جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگ‌سال یک جامعه می‌شود. بعد از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی شخص انتظار دارد بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگ‌تر و جوان‌تر تفاوت معناداری را مشاهده کند (اینگلهارت، ۱۹۸۱). همانطور که گفته شد اینگلهارت یکی از عوامل مؤثر بر کاهش ارزش‌های سنتی در جوامع صنعتی را افزایش احساس امنیت می‌داند. این نوع تفکر درباره امنیت، امنیت وجودی گیدنز را در خاطر می‌آورد که معتقد است شخص دوست دارد جهان بیرونی‌اش به گونه‌ای در ذهن به صورت امن و قابل پیش‌بینی تصور می‌کند باشد. وی به اعتبار دقیق بودن روابط علت و معلولی‌ها و نظام‌مدار بودن در جهان بیرون از خانه کنش اقتصادی یا کنش اجتماعی انجام می‌دهد. اینگلهارت می‌گوید: ما شواهدی یافتیم مبنی بر اینکه بخش عمده‌ای از تغییرات اجتماعی هنگامی رخ می‌دهد که جوامع به سطح پیشرفته‌ای از توسعه صنعتی می‌رسند (اینگلهارت، ۱۹۹۷).

ارزش‌ها با احساس سعادت رابطه تنگاتنگ، اما پیچیده‌ای دارند. انسان موجودی هدفمند است و تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد احساس رضایت نخواهد کرد. بنابراین آن چیزی با ارزش است که کمیاب باشد و فرد با احساس نارضایتی است که به جست‌وجو برانگیخته می‌شود. برعکس وقتی مردم به خواسته‌های ارزشمند می‌رسند، احساس خوشبختی و رضایت می‌کنند. لیکن این احساس سعادت ذهنی ذاتاً و زودگذر است. در کوتاه‌مدت ممکن است آنچه شما به دست آوردید موجب سرخوشی شود، اما در بلندمدت این گونه نیست، زیرا اگر این گونه بود فعالیت‌های هدفمند متوقف می‌شد. پس از مدتی مردم آنچه را بدیهی پنداشته زیاده‌خواهی می‌کنند یا تا اینکه وقتی به نقطه اشباع می‌رسند به دنبال سایر خواسته‌ها می‌روند، در صورتی که خواسته‌های معینی مدت‌های مدیدی اضافه باشد مردم بهای کمی به آن‌ها می‌داده، متوجه خواسته‌های دیگر می‌شوند (خالقی‌فر، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷).

نتایج نشان داد دانشجویان آمریکایی بیشتر از دانشجویان ایرانی به هدف «ارتباط یا پیوندجویی» توجه کرده‌اند. در واقع با توجه به تقسیم‌بندی اهداف درونی و بیرونی براساس فرهنگ فردگرا و جمع‌گرا، و این نکته که اولویت اول دانشجویان ایرانی (رشد شخصی)، در فرهنگ فردگراست، برخلاف انتظار، فردگرایی در دانشجویان ایرانی بیشتر از دانشجویان آمریکایی بود. در حالی که مطالعات قبلی در منطقه خاورمیانه از پایین‌تر

بودن فردگرایی حکایت می‌کنند (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵). بنابراین، به‌نظر می‌رسد دانشجویان ایرانی اختصاصاً و برخلاف روند عمومی این منطقه از جهان، دارای فردگرایی بالایی هستند. این یافته‌ها به دو شکل قابل توجیه است: یکی اینکه برخی شواهد نشان می‌دهد در ایران بین طبقات مختلف تفاوت‌های فرهنگی-اجتماعی قابل ملاحظه‌ای وجود دارد، به‌خصوص بین طبقه تحصیل کرده و سایر گروه‌ها (ناصحی و بهنام، ۱۹۸۵). دوم، فضای رقابتی شدیدی که در سال‌های اخیر برای رسیدن به تحصیلات عالی به‌وجود آمده، ممکن است موجب افزایش ارزش‌های فردگرایی در دانشجویان ایرانی شده باشد. در واقع، مطالعات قبلی نیز نشان داده است که عواملی همچون هم‌نوایی اجتماعی، موفقیت مالی و مواجهه با دیگر فرهنگ‌ها بر شکل‌گیری الگوهای فرهنگی مؤثر است (تریان‌دیس، ۲۰۰۱). یک تبیین دیگر می‌تواند این باشد که سطح آرزوها و اهداف در وضعیت‌های گوناگون تغییر پیدا می‌کنند. شاید بتوان این نتیجه را که دانشجویان آمریکایی دارای فرهنگ جمع‌گرا شده‌اند در وضعیت‌های گوناگون منطقه‌ای کشور آمریکا دانست (روشبلاو و بورونیون، ۱۳۷۰). دلیل دیگر بر تبیین این یافته می‌تواند این باشد که با توجه به نتایج پژوهش‌های بین فرهنگی، بسیاری از قوانین محیط‌های شغلی ایران که جزو کشورهای جمع‌گرا طبقه‌بندی می‌شود از کشورهای غربی فردگرا اقتباس شده است (مرتضوی، ۱۳۷۰).

در اکثر تحقیقات انجام‌شده افراد آسیای شرقی به‌عنوان افرادی جمع‌گرا و غریبان فردگرا در نظر گرفته شدند و تأثیر افراد این فرهنگ‌ها بر ادراکشان مدنظر گرفته شده است. با این حال براساس متاآنالیز اویسرمن و همکاران (۲۰۰۲) در بسیاری از یافته‌ها دیده می‌شود، آمریکایی‌های اروپایی نسبت به سایرین بیشتر فردگرا هستند و تمایل کم‌تری به جمع‌گرایی دارند، در حالی که آمریکایی‌های آفریقایی یا لاتین‌ها نسبت به آن‌ها کم‌تر فردگرا هستند و جمع‌گرایی آن‌ها نسبت به ژاپنی‌ها یا کره‌ای‌ها کم‌تر نیست. بین آسیایی‌ها تنها چینی‌ها بیشتر جمع‌گرا هستند و تمایل کم‌تری به فردگرایی دارند (اویسرمن و همکاران، ۲۰۰۲). اگرچه در بسیاری از پژوهش‌ها دیده می‌شود که افراد آسیایی جمع‌گرا بوده و افراد اهل آمریکای شمالی و اروپای غربی فردگرا هستند، شایان ذکر است که شواهد روبه‌رشدی وجود دارد که این عمومی‌سازی را به‌چالش می‌کشد. برای نمونه، در

بررسی‌های ورناو و سینجر<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) و متاآنالیز هین<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۲) هیچ‌گونه تفاوت فرهنگی سازگاری بین نمونه‌های آسیای شرقی و آمریکای شمالی در مورد ویژگی، نگرش و معیارهای ارزش جمع‌گرایی و فردگرایی وجود ندارد. چنانکه یافته‌ها در مورد جمع‌گرا یا فردگرا بودن ایرانیان نیز دوپهلوی و مبهم هستند، توکلی (۲۰۱۲) در مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری ایرانیان و کاناداییان نشان می‌دهد، آن‌ها در دو سر متفاوت این طیف قرار دارند، ایرانیان در تصمیم‌گیری‌ها جمع‌گرایانه و کاناداییان فردگرایانه عمل می‌کنند. مرتضوی (۲۰۰۶)، در پژوهش خود نشان می‌دهد دانش‌آموزان ایرانی تمایل بیشتری به ارزش‌های جمع‌گرایانه دارند تا ارزش‌های فردگرایانه. همچنین ایرانیان در خانواده بیشتر رو به سوی جمع‌گرایی دارند، در حالی که در محیط کار تبدیل به افرادی فردگرا می‌شوند. هافستد (۱۹۸۰) در پژوهش اولیه خود رتبه فردگرایی ایران را ۴۱ می‌دهد، و ایران را در زمره کشورهای جمع‌گرا دسته‌بندی می‌کند. با این حال در پژوهش نجاتی و ذبیح‌زاده (۱۳۹۱؛ به نقل از نجاتی، ۱۳۹۱)، نسل جوان ایرانی به صورت معناداری فردگراتر از نسل بزرگ‌سال است. این جمع‌گرایی نسل بزرگ‌سال را می‌توان فرهنگ‌پذیری بیشتر این نسل به دلیل تعامل طولانی مدت تر با اجتماع دانست. اسعدی و همکاران (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای نشان دادند که فردگرایی در دانشجویان ایران بیش از دانشجویان آمریکایی است. از سوی دیگر، وثوقی و همکاران (۱۳۸۴) بیان کرده‌اند که ایرانیان در عرصه‌های خانوادگی و دینی جمع‌گرا و در عرصه‌های سیاست و حکومت فردگرا هستند.

به نظر می‌رسد که فرهنگ ایرانی در میانه طیفی قرار دارد، که یک سمت آن فردگرایی و سمت دیگر آن جمع‌گرایی است. شاید بتوان ایران را در زمره کشورهای دو فرهنگی دسته‌بندی کرد. جامعه آزمودنی‌های این پژوهش دانشجویان هستند. دانشجویانی که از نسل جوان‌اند و پژوهش‌های پیشین (نجاتی، ۱۳۹۱)، فردگرا بودن این نسل را نشان داده است. اما به نظر می‌رسد این نسل هم‌چنان در گذار از جمع‌گرایی که فرهنگ نسل پیشین خود است (نجاتی، ۱۳۹۱)، و در تعارض برای نشان دادن فردگرایی خود قرار گرفته است. چنان‌که محمدی (۱۳۹۰، به نقل از نجاتی، ۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود ذکر می‌کند که «نسل جدید خواهان مقابله با سنت و عرف است و در صورتی که تلقینات نسل‌های پیشین در ذهن او هنوز هم به قوت خود باقی است و قانونی مستقل برای مقاومت در برابر

1. Voronov & Singer

2. Heine

سنت‌ها و عرف ندارد». دانشجوی ایرانی برای رسیدن به استقلال شخصی، خودشناسی، موفقیت شخصی و منحصر به فرد بودن، نیاز به این فردگرایی دارد؛ د صورتی که خانواده که نسل پیشین جامعه ایرانی‌اند، همچنان جوان خود را به پیروی از راهنمایی‌های دیگران، احساس مسئولیت نسبت به گروه، هماهنگی و کار کردن با گروه تشویق می‌کنند که همه نمادهایی از فرهنگی جمع‌گراست.

استفاده از نمونه دانشجویی، استفاده از روش گزارش شخصی و نمونه‌گیری در دسترس جزو محدودیت‌های پژوهش حاضرند.

از یافته‌های مذکور چنین استنباط می‌شود که اول، بیان اهداف زندگی در بین جوانان به طور کامل وابستگی فرهنگی وجود دارد و دوم آن که اگرچه ممکن است به لحاظ محتوای اهداف در دو فرهنگ ظاهراً محتوای یکسانی ابراز شود، اما آن محتواها معانی به طور کامل متفاوتی را دارا هستند. از این نظر اکیداً توصیه می‌شود که این گونه پژوهش‌ها اگر به طور کیفی انجام شوند، یافته‌های غنی‌تری را به دست می‌دهد. در مجموع می‌توان پیشنهادهای ذیل را برای پژوهش‌های آتی مطرح کرد:

۱. با توجه به اینکه در دانشجویان ایرانی اهداف و آرزوهای بیرونی (ثروت، شهرت، و جذابیت بدنی) نسبت به اهداف و آرزوهای تعالی خود (معنویت، و هم‌نوایی) در اولویت هستند، نباید از ظرفیت‌های دین و ارزش‌های معنوی غفلت کرد و تا آنجا که امکان دارد باید از آن‌ها در جهت ترویج ارزش‌های فرامادی استفاده کرد. ارزش‌های مادی نباید بد تلقی شود، بلکه می‌شود آن‌ها را به فرصت تبدیل کرد، البته به گونه‌ای مسائل کشور نیز مورد توجه قرار بگیرد و آنچه با مسائل فرهنگی مغایرت ندارد استفاده کرد. باید به معیشت، کار و ازدواج جوانان توجه بیشتری شود؛ نباید جوانان مشکلات خود را از ناحیه دین و ارزش‌های جامعه ببینند.

۲. پیشنهاد می‌شود پژوهش در زمینه ارزش‌ها به تناوب در دوره‌های زمانی مشخص مثل هر سه سال انجام شود تا بتوان از دگرگونی‌های ارزشی در طول زمان پی برد.

۳. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در دو گروه سنی بزرگسالان و جوانان به اجرا درآید تا دگرگونی فرهنگی ملموس‌تر باشد، زیرا دگرگونی‌های فرهنگی در طول زمان رخ می‌دهد و فاصله بین دو نسل زمان خوبی برای تغییر و دگرگونی فرهنگی است. در این پژوهش صرفاً جوانان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و معیاری برای میزان دگرگونی جهت‌گیری ارزشی آنان وجود ندارد و نمی‌توان آن را با نسل‌های گذشته مقایسه کرد.

## قدردانی

نویسندگان این مقاله در اینجا لازم می‌دانند تا از تیم کیسر استاد دانشگاه ناکس به‌خاطر دراختیار قرار دادن داده‌های نمونه آمریکایی قدردانی کنند.

## منابع

- اسعدی، س.م.، فرناز، ا.، اچ نایت، ک.، اچ الفنبین، م.، و فرزین، ر. (۱۳۸۵). رابطه فردگرایی و جمع‌گرایی با شیوه دانستن مستقل و ارتباطی در دانشجویان ایرانی و آمریکایی. *تازه‌های علوم‌شناختی*، ۱۸(۱)، ۱۷-۲۲.
- آن‌ماری، ر.، و اودیل، ب. (۱۹۷۱). *روان‌شناسی اجتماعی (مقدمه‌ای بر نظریه‌ها، آیین‌ها در روان‌شناسی اجتماعی)*. ترجمه س.م. دادگران (۱۳۷۰). تهران: مروارید.
- پاینده، م.، و جعفرزاده‌پور، ف. (۱۳۸۹). بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان ده‌دشت. *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ۵(۵)، ۱۰۱-۱۲۲.
- خالقی‌فر، م. (۱۳۸۱). بررسی‌های ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیل‌کرده ایرانی و عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی از نشانگان فرهنگی. *نامه پژوهش فرهنگی*، ۷(۳)، ۱۰۷-۱۵۸.
- خواججه‌نوری، ب. (۱۳۸۵). *بررسی رابطه مؤلفه‌های فرایند جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان مطالعه‌موردی: تهران، شیراز و استهبان*. رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- خواججه‌نوری، ب.، پرنیان، ل.، و جعفری، م. (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی با فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان مورد مطالعه: شهر شیراز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴(۴)، ۴۳-۶۶.
- خواججه‌نوری، ب.، و مقدس، ع.ا. (۱۳۸۸). رابطه بین تصور از بدن و فرایند جهانی شدن، مطالعه موردی: زنان شهرهای تهران. *جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان*، ۲۰(۱)، ۱-۲۴.
- خیر، م. (۱۳۸۸). مقایسه اهداف زندگی در دانشجویان سال اول رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی در ایران و آمریکا. *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۹(۳)، ۶۹-۹۷.
- سبزه‌آرای لنگرودی، م.، سرافراز، م.، و قربانی، ن. (۱۳۹۴). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی شاخص آرزو. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۱(۱)، ۹۷-۱۱۵.
- سهامی، س. (۱۳۸۷). اولویت‌های ارزشی دانشجویان. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۲(۲)، ۱۸-۳۹.
- علیق‌امیمه، م.، آگیلاروفایی، م.، و رسول‌زاده طباطبایی، س.ک. (۱۳۸۸). الگوی صلاحیت روانی-اجتماعی تایلر: مقایسه دانشجویان ایرانی و لبنانی. *روان‌شناسی تحولی*، ۶(۲۱)، ۴۷-۵۴.
- کارشکی، ح.، گراوند، ه.، و دهقانی نیشابوری، م. (۱۳۹۱). نقش شکاف بین اهداف و آرزوها و شانسن دستیابی به آن‌ها در شادکامی دانشجویان. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۲(۲)، ۱۳۳-۱۵۴.
- کرمی، ب.، و هاشم‌زاده، ا. (۱۳۸۹). مطالعه جامعه‌شناختی برخی از اولویت‌های ارزشی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ایران و دانشگاه میسور هندوستان. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۲(۶)، ۱۵۷-۱۷۱.
- کلائی، ا.، خدادادی سنگده، ج.، و گوهری‌پور، م. (۱۳۹۷). شناسایی بسترهای فرهنگی-اجتماعی شکل‌دهنده رضایت از ازدواج. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۲(۱)، ۷۹-۹۹.

- محمدی، ش. (۱۳۸۷). ارتباط بین فرهنگی دو کشور ایران و هند در خصوص ویژگی‌های شخصیتی و رابطه آن با خشنودی شغلی دبیران. *علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۵ (۱)، ۳۳-۵۲.
- مرتضوی، ش. (۱۳۷۰). *آشنایی با روان‌شناسی بین‌فرهنگی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نجاتی، و. (۱۳۹۱). بررسی شاخص‌های عصب‌شناختی فرهنگ مردم ایران و تدوین کاربست‌های آن در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. طرح پژوهشی، مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- نصراصفهانی، ع.، نظری، ح.، و احمدی، ع. (۱۳۹۲). بررسی ساختار اوقات فراغت جوانان شهر اصفهان با تأکید بر جایگاه تربیت بدنی و ورزش. شیراز: مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی، صص ۷۱۴-۷۲۹.
- وثوقی، م.، میرزایی، ح.، و رحمانی، ج. (۱۳۸۴). فردگرایی و جمع‌گرایی ایرانیان از دید سیاحان خارجی. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱ (۲ و ۳)، ۳۰۳-۳۲۲.
- ولف، س. (۱۳۸۲). *معنای زندگی*. ترجمه م.ع. عبدالهی. فلسفه و الهیات: نقد و نظر، ۸ (۳۰-۲۹)، ۲۷-۳۷.
- Abela, A. M. (2005). Shaping a national identity: Malta in the European Union. *International Journal of Sociology*, 35(4), 10-27.
- Bardi, A., & Schwartz, S. H. (1996). Relations among sociopolitical values in Eastern Europe: Effects of the communist experience? *Political Psychology*, 17 (3), 525-549.
- Berry, J. W., Poortinga, Y. H., Pandey, J., Segall, M. H., & Kâğıtçıbaşı, Ç. (1997). *Handbook of cross-cultural psychology: Theory and method* (Vol. 1): John Berry.
- Cox, D. T., Hudson, H. L., Plummer, K. E., Siriwardena, G. M., Anderson, K., Hancock, S.,... & Gaston, K.J. (2018). Covariation in urban birds providing cultural services or disservices and people. *Journal of applied ecology*, 55(5), 2308-2319.
- Côté, J. E. (2006). Acculturation and Identity. *Human Development*, 49(1), 31-35.
- Cox, W. M., & Klinger, E. (2011). *Handbook of motivational counseling: Goal-based approaches to assessment and intervention with addiction and other problems*: John Wiley & Sons.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*, 11(4), 227-268.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2011). Levels of analysis, regnant causes of behavior and well-being: The role of psychological needs. *Psychological inquiry*, 22(1), 17-22.
- Deci, E. L., & Vansteenkiste, M. (2003). Self-determination theory and basic need satisfaction: Understanding human development in positive psychology.
- Evans, P., McPherson, G. E., & Davidson, J. W. (2013). The role of psychological needs in ceasing music and music learning activities. *Psychology of Music*, 41(5), 600-619.
- Feather, N. T. (1975). *Values in education and society*: Free Press.
- Green, E. G., Deschamps, J.-C., & Paez, D. (2005). Variation of individualism and collectivism within and between 20 countries: A typological analysis. *Journal of cross-cultural psychology*, 36(3), 321-339.
- Grouzet, F. M., Kasser, T., Ahuvia, A., Dols, J. M. F., Kim, Y., Lau, S.,... Sheldon, K. M. (2005). The structure of goal contents across 15 cultures. *Journal of personality and social psychology*, 89(5), 800-816.
- Stein, L., Jenkins, H., Ford, S., Green, J., Booth, P., Busse, K., et al. (2014). Spreadable media: creating value and meaning in a networked culture. *cinema Journal*, 53(3), 152-177.
- Heine, S. J., Lehman, D. R., Markus, H. R., & Kitayama, S. (1999). Is there a universal need for positive self-regard? *Psychological review*, 106(4), 766-794.
- Heiserman, R. L. (1978). *Early Identification of Nonpersisting Beginning Students*, Oklahoma State University.

- Hofstede, G. (1980). Culture and organizations. *International studies of management & organization*, 10(4), 15-41.
- Hofstede, G. (1981). Management control of public and not-for-profit activities. *Accounting, Organizations and society*, 6(3), 193-211.
- Inglehart, R. (1981). Post-materialism in an environment of insecurity. *American political science review*, 75(4), 880-900.
- Inglehart, R. (1990). Values, ideology, and cognitive mobilization in new social movements. *Challenging the political order: new social and political movements in western democracies*, 43-66.
- Inglehart, R. (1997). *Modernization and Post-modernization.. Cultural, Economic*.
- Inglehart, R. F. (2010). Faith and freedom: Traditional and modern ways to happiness. In E. Diener, J. F. Helliwell, & D. Kahneman (Eds.), *International differences in well-being* (pp. 351-397). Oxford University Press.
- Kasser, T. (1996). Aspirations and well-being in a prison setting 1. *Journal of Applied Social Psychology*, 26(15), 1367-1377.
- Kasser, T., & Ryan, R. M. (1993). A dark side of the American dream: correlates of financial success as a central life aspiration. *Journal of personality and social psychology*, 65(2), 410-422.
- Kasser, T., & Ryan, R. M. (1996). Further examining the American dream: Differential correlates of intrinsic and extrinsic goals. *Personality and social psychology bulletin*, 22(3), 280-287.
- Minkov, M. (2009). Predictors of differences in subjective well-being across 97 nations. *Cross-cultural research*, 43(2), 152-179.
- Sheikholeslami, R., & Arab-Moghaddam, N. (2010). Relations of autonomy and adjustment in Iranian college students: a cross-culture study of self-determination theory. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 5 (2010), 1831-1835.
- Nasehi- Behnam, v. (1985). Change and the Learning family. *Current Anthropology*, 26 (5), 557-562.
- Ohbuchi, K.-I., Fukushima, O., & Tedeschi, J. T. (1999). Cultural values in conflict management: Goal orientation, goal attainment, and tactical decision. *Journal of cross-cultural psychology*, 30(1), 51-71.
- Oishi, S., & Diener, E. (2003). Culture and well-being: The cycle of action, evaluation, and decision. *Personality and social psychology bulletin*, 29(8), 939-949.
- Oishi, S., Diener, E., Lucas, R. E., & Suh, E. M. (2009). Cross-cultural variations in predictors of life satisfaction: Perspectives from needs and values. In *Culture and well-being* (pp. 109-127): Springer.
- Oyserman, D., Coon, H. M., & Kemmelmeier, M. (2002). Rethinking individualism and collectivism: evaluation of theoretical assumptions and meta-analyses. *Psychological bulletin*, 128(1), 3-72.
- Pervin, L. A. (2015). *Goal concepts in personality and social psychology*: Psychology Press.
- Powers, S. B. (2013). Implications of Individualism and Collectivism on the Individual's Social Identity.
- Rokeach, M. (1973). *The nature of human values*. New York: Free Press.
- Smith, P. B., and Schwartz, S. H. (1997). Values. In J. W. Berry, M. H. Segall and C. Kagitcibasi (Eds). *Handbook of Cross- Cultural Psychology* (75-118). Boston: Allyn and Bacon.
- Smith, P. B., Peterson, M. F., & Schwartz, S. H. (2002). Cultural values, sources of guidance, and their relevance to managerial behavior: A 47-nation study. *Journal of cross-cultural psychology*, 33(2), 188-208.
- Tavakoli, M. (2012). Do Iranian and Canadian females make different personal decisions? *Sociology Mind*, 2(1), 127-132.
- Triandis, H. C. (2001). Individualism-collectivism and personality. *Journal of personality*,

69(6), 907-924.

Triandis, H. C., & Triandis, L. M. (1960). Race, social class, religion, and nationality as determinants of social distance. *The Journal of Abnormal and Social Psychology*, 61(1), 110-118.

Triandis, HC, Leung, K., Villareal, MJ, and Clack, FL. (1985). Allocentric versus idiocentric tendencies: Convergent and discriminant validation. *Journal of Research in Personality*, 19 (4), 395-415.

Voronov, M., and Singer, J. A. (2002). The myth of individualism-collectivism: A critical review. *The Journal of Social Psychology*, 142(4), 461-480.

Wong, N. Y., and Ahuvia, A. C. (1998). Personal taste and family face: Luxury consumption in Confucian and Western societies. *Psychology & Marketing*, 15(5), 423-441.